

# گزارشی از: واقعه خونین سندج

«سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر»

۲۷/فروردین/۵۸

چند ماه قبل از قیام بهمن ماه ، و در جریان  
 اوجگیری مبارزات توده ها ، روحانیت ( که عمدتاً حافظ  
 منافع خرد مبورژوازی است ) برای تأمین هژمونی  
 سیاسی - ایدئولوژیک خود بر جنبش ، اقدام به اعزام  
 تعداد زیادی " روحانی " به نقاط مختلف کشور نمود .  
 اعزام این روحانیون بغیر از هدف توسعه و تثبیت  
 هژمونی سیاسی - ایدئولوژیک خرد مبورژوازی بر جنبش  
 میتوانست به جلوگیری از قدرت گرفتن هرچه بیشتر  
 نیروهای چپ در جنبش منجر شود . این مسئله مخصوصاً  
 صادر در مورد کردستان که نیروهای چپ از نفوذ بیشتر  
 - ی برخوردارند ، با تأکید بیشتری مطرح میگشت .  
 براین اساس راونفر به اسامی " آیت الله صفدری "  
 و " آیت الله روحانی " به سنج اعزام میشوند ( \* )  
 این دو در حسینه این شهر مستقر میگردد و تلاش  
 مینمایند تا رهبری مردم شیعه مذهب این منطقه را

---

( \* ) - لازم به توضیح است که آیت الله صفدری قبلاً ←

۳-

بدست گیرند . علیرغم اینکه تعصبات مذهبی در شکل سنی گری و شیعه گری در کردستان کمتر مشاهده شده است و اصولاً مذهب به مفهوم دگم آن در آنجا پایه محکمی ندارد ولیکن این جریان میتواند آنرا دامن زده و موجب بروز اختلافات در پوشش مذهب گردد . رهبری برادران اهل تسنن بطور عمده در دست شخصی بنام احمد مفتی زاده بود . مفتی زاده بیشتر منافع خرده بورژوازی مرفه و خانهای محلی را نمایندگی مینماید . وی اگرچه فرد مرتجعی است لیکن اولاً بعلت فشار مردم و ثانیاً بعلت وجود رگه‌هایی از مطالبات ملی در او هوادار متزلزل و ناپیگیر خود مختاری برای کردستان مییابد . این خواست در او ( در رهبری بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه محلی ) بعلت هرچه بیشتر حل شدن بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه کردستان در اقتصاد عمومی ایران ، زمینه قوی ندارد . موضع وی در این مورد نسبت به قبل از قیام بهمن ماه ضعیف تر شده است .

بدین ترتیب در رهبری مذهبی مبارزات مردم این منطقه در جناح شکل میگیرد ، جناح صفدری بعنوان

از طرف رژیم شاه در کردستان در حال تبعید بسر میرد .

نماینده آیت الله خمینی که در پی ایجاد پایگاه‌های  
برای خویشتن بود و دیگری جناح مفتی زاده . تا قبل از  
قیام بهمن ماه ، تضاد این دو جناح بعلت مبارزه بر  
علیه دشمن مشترك و ثانيا ترس از رشد نیروهای چپ  
بصورت حاد و آشکاری بروز نکرده بود ، لیکن از آنجائی  
که جناح صفدري از حق خود بختاری خلق کرد وحشت  
داشت ، هیچگاه آن اعتماد لازم را برای سپردن قدرت  
به مفتی زاده ، متزلزل از خود نشان نداد ، برعکس ، بسا  
مداخله بیجا در امور شهر و به رسمیت نشناختن حق  
حفظ انتظامات شهر توسط مفتی زاده و یا با تخلیه  
سیلوها و . . . همواره متعرض وی میگشته است . لازم  
به تذکر است که ویژگیهای فردی مفتی زاده ( رهبری  
طلبی و قدرت جوئی وی ) نیز در حاد شدن این تضاد  
تأثیر داشته است .

از آنجائی که دو مرکز قدرت فوق الذکر ، هیچکدام  
حامی و دربرگیرنده نیروهای چپ و دموکرات نبودند ،  
این نیروها در " جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب " ،  
متشکل میشوند ( البته هواداران سازمان چریکهای  
فدائی خلق ، خود مستقلاستاد خود را به وجود  
میاورند ) .

در جریان قیام بهمن ماه ، مردم مبارز شهر خواهان حمله  
به پادگان و تصرف قهری آن بودند که توسط مفتی زاده  
\_\_\_\_\_

منع میشوند. مفتی زاده سخنانی ای در باب "ملی" شدن ارتش و پیوستن آن به ملت و... ایراد میکند و به این ترتیب ترس و وحشت خود را از مسلح شدن مردم به نمایش میگذارد. بعد از قیام، صفدری به حمایت دولت مرکزی به ریاست ستاد لشکر منصوب میگردد. انتصاب صفدری خود نشاندهنده عدم اعتماد دولت مرکزی به مفتی زاده، متزلزل بود. ترکیب فرماندهان لشکر هیچ تغییری نمیکند، برعکس صفدری طی مدت کوتاهی این سمت را داشت اقدام به جلب پشتیبانی افسران مرتجع و وابسته به رژیم پهلوی، از خود مینماید و میتواند در لشکر، هواداران برای خود دست و پا نماید. طی این مدت وی مقادیر زیادی اسلحه و مهمات به کمپته خود انتقال میدهد و میتواند عناصر صالحی را به دور خود گرد آورد.

انتصاب صفدری به ریاست ستاد لشکر موجب نا رضایی مردم و بخصوص مفتی زاده میگردد، از این لحاظ و بدلیل اینکه از نظر دولت مرکزی برای فرماندهی پادگان به افراد نظامی و متخصص احتیاج بود، سر-هنگ صفری "به جای صفدری گسیل میشود. لیکن صفدری ارتباط خود را با فرماندهان مرتجع و وابسته پادگان نمیبرد و کماکان اسلحه و مهمات از پادگان برای وی ارسال میشده است.

—۶—

قدرت کمیته، صدف‌ری طی این مدت ابعاد وسیع‌تر-  
 ی به خود می‌گیرد. کمیته اسلامی صدف‌ری از لحاظ  
 اسلحه و مهمات و قدرت گردآوری افراد مسلح، برکمیته  
 اسلامی مفتی زاده پیشی می‌گیرد و موجب تشدید نگرانی  
 مردم - از لحاظ قدرت گرفتن کمیته‌ای که "مردمی"  
 نیست - و مفتی زاده - از لحاظ علم شدن یک رقیب  
 قدرتمند در شهر که می‌توانست برای وی مخصوصاً خطر -  
 ناک باشد - می‌گردد. نارضایتی مردم بالا می‌گیرد، مفتی -  
 زاده در صدر بهره‌جویی از جو ضد صدف‌ری برمی‌آید.  
 نامه‌ای به سرهنگ صفری مینویسد و طی آن حراسست  
 "شهر و منطقه" را به خود نسبت می‌دهد! و از وی آن با  
 توضیح این مطلب که: "تاکنون پاسداران ما اسلحه‌ها  
 ی گوناگون را به مقدار فراوان از دست مردم بیصلا -  
حیت گرفته و به لشکر تحویل داده‌اند" و... می‌دانید  
 که تا حالا آشوبگران بارها (؟) طرح حمله به پادگان  
 را داشته‌اند و ما همیشه آنرا خنثی کرده‌ایم"، به صفری  
 اطمینان خاطر می‌دهد که قدرت گرفتن ما، همان قدرت  
 گرفتن شماست و ما حافظ پادگان از حمله "مردم مسلح  
 بیصلا حیت" و "آشوبگران" هستیم! خواهان تحویل سلاح  
 و مهمات از سوی صفری میشود. لیکن فرمانده لشکر که  
 از اختلافات میان دو کمیته با اطلاع بوده است از تحویل  
 سلاح سر باز می‌زند. از آنجائی که شایعاتی مبنی بر  
 ۷ -

تخلیه سیلو و اسلحه توسط ستاد صفدری، در میسان مردم نضج میگردد، فشار از طرف مردم برای صلح شدن و حفظ امور شهر توسط خودشان قوت میگردد. مفتی - زاده نامه‌ای به صفدری مینویسد و خواهان تحویل فشنگ و اسلحه میشود. صفدری به این نامه جواب رد میدهد. شایعات و نگرانیها در شهر بالا میگیرد. مردم و مخصوصا بازاریهای شهر برای مطلع شدن از جریان امور و جلوگیری از تخلیه سیلو و حمل اسلحه به تهران و خلع سلاح شهر، در مقابل کمیته صفدری اجتماع مینمایند. لیکن در همان دقایق اول، از طرف کمیته صفدری به اجتماع کنندگان با مسلسل جواب داده میشود. حمله مسلحانه عمال صفدری (به رهبری فردی بنام شاطر محمد و یسرش) به شهادت دو نفر و مجروح شدن يك نفر منجر میگردد. خشم مردم بی سلاح شعله ور میشود. این عمل وحشیانه و جنایتکارانه عمال صفدری در عین حال که موضع ضد خلقی، کمیته صفدری را عیان میگرداند، سازشکاری و تزلیل مفتی زاده را نیز روشن میگرداند. پیروان مفتی زاده معتقد بودند که اگر مفتی زاده قبالا مانع از خلع سلاح و تصرف پادگان توسط مردم نمیشد، حالا صفدری مرتجع نمیتوانست مردم را این چنین وحشیانه به گلوله ببندد. از طرف دیگر چون مفتی زاده در قبال صفدری مواضع سازشکارانه‌ای

اتحاد کرده بود و در مورد خود مختاری کردستان به مواضع آیت الله خمینی - که عدم قبول خود مختاری برای کردستان به آن مفهومی که خلق غیر کرد آنرا درك میکنند، میباید - نزدیک نرفته بود، مردم شعاری مرگ بر صغری"، "مرگ بر مفتی زاده" را میدادند.

مردم بی سلاح و خشمگین، برای بدست گرفتن مقدرات شهرستان و برای جلوگیری از این همه اعمال زور و ستم، بطرفستان لشکر ۲۸ کردستان میروند و با اعتراف به این وحشیگری طلب اسلحه میمایند. فرمانده ساد ( صغری ) به منظور حل سیاسی مسئله، از نیروهای شرقی شهرستان جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق را میخواهند که برای جلوگیری از فاجعه در خالت کرده و مانع از سر خورد شوند. بر اساس این پیشنهاد، شورای موقت انقلاب از همه نیروهای شرقی و مسئول تشکیل می شود و در اولین بیانیه اش ضمن محکوم کردن ستاد حساسی صغری و مفتی زاده، اعلام میدارد که موقتاً اداره امور شهر را به عهده گرفته است ( غریب ۲۷ / ۱۲ / ۵۷ )

سرهنگ صغری ضمن يك تلفن گرام از فرماندهان واحد های پادگان میخواهند که برای حل سیاسی مسئله و جلوگیری از گشتار مردم بیگناه، به همراه نیروهای سیاسی شهر، در ستاد لشکر گرد آمده و همگی به تبادل

۹ —



نظر بپردازند. لیکن فرماندهان مرتجع پادگان کسه تحت تأثیر تبلیغات زهراآگین صفدری واقع شده بودند، از این فرمان سرباز زدند و به دفع الوقت متوسل شده و بالاخره از آمدن به ستاد و مشورت با نیروهای سیا - سی شهر خودداری نمودند. طی این مدت مردم بیا - رز شهر "شورای موقت انقلاب" را برای تسلیح خود تحت فشار گذاشته بودند. مردم خواهان به کیفر رسانیدن عمال صفدری و خود وی بودند و در صدر بودند تا برای همیشه شر این باند مرتجع را از سر خود کم نمایند، لیکن از آنجائیکه راه حل سیاسی مسئله توسط فرماندهان مزدور پادگان بسته شده بود مردم بی سلاح، خود برای تهیه سلاح و دفاع از خود در مقابل باند صفدری به پادگان ژاندارمری (\*) (حمله مینمایند. پادگان ژاندارمری بدون مقاومت تسلیم مردم میشود و مردم با برداشتن اسلحه بطرف ستاد صفدری میآیند، که در همین حین از طرف ارتش و به دستور صفدری مزدور با مسلسل به آنها حمله میشود و عده زیادی شهید و مجروح میشوند.

---

(\*) - در سنج دو پادگان وجود دارد، یکی متعلق به ژاندارمری است و دیگری ارتش که فاصله چندانی با هم ندارند. — ۱۰ —

پس از ساعتی صغری - فرمانده لشکر- دستور قطع آتش و همراهی ارتشیان با مردم را صادر میکند، لیکن فرماندهان مرتجع به آتش پس توجهی ننموده و با خمپاره و تیربار به کشتار مردم شدت میدهند. در این موقع شورای موقت شهر تحت فشار مردم و تحت شرایطی که امکان حمله ارتش به شهر وجود داشت، توسط رادیو از مردم میخواهد که در دفاع از شهر و محاصره پادگان شرکت نمایند. به این ترتیب یک جنگ ناخواسته بر مردم تحمیل میشود و رژیم با پراخاندن بوق و کرنا که یک عده "ضدانقلابی" به "ارتش ملی و اسلامی" حمله کرده اند، مقاومت و دفاع از خود مردم مبارز سنندج را در اذهان وارونه جلوه داده و از سایر شهرها تقاضای کمک برای دفاع از پادگان مینماید!

طی تمام روز ۲۸/۱۲/۵۷ جنگ در دو جبهه، جبهه پادگان و جبهه ستاد صغری جریان داشت. قبل از ظهر ۲۸/۱۲ به دستور مستقیم سرلشکر قوه نی - این نوکر کودتاجی آمریکائی - هلی کپترهای "ارتش ملی و اسلامی" سنگرهای تدافعی مردم مبارز شهر را با گلوله های کالیبر ۵۰ زیر آتش گرفت و خانه های محله های فقیرنشین اطراف پادگان را با خمپاره های ۱۲۰ میلیتری ویران نمود. باین ترتیب "ارتش ملی" نه فقط ضد ملی بودن خود را به روشنی بنمایش گذاشت، بلکه

بزدلی و وحشت خود را از توده‌ها عیان ساخت ، هلی  
 - کپترها و خمپاره اندازها برای بهراس افکندن مبارز-  
 ان مسلح شهر، به گشتار توده‌های بیدفاع و غیرمسلح  
 شهر پرداختند . فانتومها از ارتفاع نزدیک بر فراز شهر  
 به پرواز در آمدند و بارها دیوار صوتی را شکستند .  
 از همان اولین روزنبرد نیروهای کمکی بوسیله هلی -  
 کپتر پیاده میشدند . بغیر از نیروهای کمکی که از  
 کرمانشاه و همدان به پادگان سنندج آورده شدند .  
 سرانجام يك گردان از لشکر گارد را که تحت تعلیمات  
 مخصوص فرماندهان آمریکائی ارتش شاهنشاهی برای  
 " روزهای دشوار " و " لحظات حساس " تربیت شده  
 بودند ، به سنندج گسیل داشتند . این واحدها که  
 از خونخوارترین و درنده‌ترین واحدهای ارتش شاهنشاهی  
 بودند ، این بار برای سرکوب توده‌های خلق بعد  
 از قیام بهمن ماه بکار میروند !! اینست " انقلابی گردان  
 ارتش به شیوه " دولت موقت انقلابی " !

سحرگاه ۱۲/۲۹ ستاد صفدری بدست رزمندگان  
 فتح میگردد و دوفراز عمال صفدری که درابتدا شروع به  
 تیراندازی بموی مردم نموده بودند ( شاطر محمد و سرش )  
 بوسیله مردم اعدام انقلابی میگردد . بعد از ظهر همین  
 روز علیرغم اعلام آتش بس یکطرفه از جانب شورای موقت  
 شهر ، باز هم افسران مرتجع پادگان به شلیک خمپاره  
 ۱۲

و آتش‌بارهای هلیکوپترها ادامه می‌دهند. این کشتار تا روز ۱۲/۲۹ ادامه مییابد. طی این مدت دولت مرکزی سر در لاک خود فرو برده بود و هیچگونه عکس-العمل علنی نسبت به کشتار مردم در سنندج از خود نشان نمیدهد. رادیو و تلویزیون مرکز انتشار اخبار نادرست و متهم کننده مردم شده بود. مردم مبارز شهر را یکمده ضد انقلابی و اخلا لگ ر که به "ارتش ملی اسلا-می" حمله نموده اند قلمداد کرده و باین ترتیب دست ارتشیان مزدور را در کشتار مردم باز میگذاشتند. سر-انجام، شامگاهان ۱۲/۲۹ هیئت دولت وارد سنندج میگردد. (\*)

(\*) — نکته ای که میبایست بآن اشاره نمود همبستگی و همیاری توده های خلق مناطق مختلف ایران با مردم مبارز سنندج میباشد. بلافاصله بعد از پخش خبر درگیری مسلحانه میان ارتش با صلا ح ملی و مردم رزمند سنندج از تمام نقاط ایران انقلابیون بکمک خلق کسرد شتافتند. سیل دارو، مواد غذایی به سنندج سرازیر شد. بعضی افراد مسلح نیز برای کامل نمودن حلقه محاصره پادگان و جلوگیری از سرازیر شدن سربازان بشهر، از اطراف واکناف کردستان وارد شهر میشدند. جمعیت دفاع از آزادی و استقلال برای قدردانی از

قبل از آمدن این هیئت آیت الله حسینی تلگرافها -  
ئی به آیت الله خمینی و آیت الله طالقانی میفرستد .  
در پیام به آقای طالقانی ، ایشان مینویسند ، " در ایام  
عید و سال نو فرزندان خلق کرد زیر رگهار مسلسلها  
و خمپاره ها جان میدهند " ( عین این تلگرام ضمیمه  
گزارش استلّم . آقای حسینی همچنین خواستار تحقق  
خواسته های خلق کرد میگردد و این حوادث را با -  
ادعای جمهوری اسلامی مقایسه میدانند . این پیامها و  
فشارهائیکه از طرف توده مردم و جمعیتها و گروههای  
مختلف بر دولت وارد میآید و همچنین ادامه درگیری  
دولت را وادار به فرستادن هیئت میکند .

از طرفی روز ۲۹ اسفند عده ای از نمایندگان سنندج  
باتفاق آیت الله حسینی اعلامیه ای ه ماده ای صادر  
و در آن عواملی را که باعث این جریانات بوده اند ،

---

به حمایت توده های مردم ، اعلامیه ای انتشار داد که  
کعکهای مردم در آن ذکر شده بود . این اعلامیه :  
اولا - میزان بسیار زیاد کعکهای داده شده را نشان  
میدهد . ثانيا - روشن مینمود که مردم از چه فاصله  
دوری برای کعک آمده اند . پشتیبانی و همکاری روستا -  
های کردستان در این جریان قابل توجه بود .

— ۱۴ —

صفدری و برخی از فرماندهان مرتجع ارتش اعلام کرده  
 و خواستار تحقق خواسته‌ی برحق خلق کرد میگرد  
 رند. این اعلامیه بامضای آقایان: حسینی، مفتی زاده  
 کمانگر و محمدی میرسد. ( عین قطعنامه ضمیمه است )  
 بالاخره هیئت نمایندگی دولت که شامل آقایان صدر  
 حاج سید جوادى ( وزیر کشور ) ، طالقانى ، بنی صدر  
 و بهشتی بود وارد سنندج شده و روز چهارشنبه دوم  
 فروردین اولین دور مذاکرات بین نمایندگان شهرهای  
 کرد نشین و هیئت دولت شروع میگردد. در ضمن  
 مذاکره ، فانتومهای ارتش ملی اسلامی !!! مشغول مانور  
 دادن و قدرت نمایی بر فراز شهر سنندج بودند. یکی  
 از نمایندگان نسبت باین مسأله عکس العمل نشان مید  
 هد و میگوید " پرواز فانتومها ، توطئه رژیم وابسته  
 بامریاليسم است و نه تنها این عمل بلکه حتی بمباران  
 نیمی از کردستان هم خلق کرد را از مبارزه باز نخواهد  
 داشت . " آیت الله حسینی نیز این امر را توهین  
 به جامعه ، روحانیت اهل تسنن و خلق کرد قلمداد کرد  
 ده و میگویند ، " شاه هم همین کار را میکرد " و اضافه  
 میکنند که ، " رژیم شاه طاغوتی با رژیم آخوند طاغوتی  
 هیچ فرقی ندارد " . در حین که فانتومها مشغول مانور  
 دادن بودند ، تحت فشار حاضرین در جلسه صدر حاج  
 سید جوادى به قره‌نی تلغن کرده و خواستار قطع مانور  
 ۱۵ —

میشود . قره‌نی در جواب میگوید "علیرغم احترامی که برای شخص شما قائل هستم . . . باید بگویم که من فقط از رهبری انقلاب دستور میگیرم " . سرهنگ صفری فرمانده لشکر ۲۸ از نحوه کارکرد کمیته‌ها و وجود اختلاف‌های آنها انتقاد کرده و آیت الله حسینی را نماینده خلق کرد مینامد . آقای صفری میگوید ، مسببین باید مجازات شوند . آقای حاج سید جوادی هر چند که سرپرستی هیئت دولت را داشتند ، در این مذاکره موضع شخصی و فردی گرفته و میگوید که از طرف دولت نیامده است و در ضمن ادعا میکند که دولت از ماجرا خبر ندارد . در این مذاکرات هر چند که آیت الله طالقانی نیز شرکت داشتند اما هیچ نظری ندادند و صرفاً شنونده بودند .

نشد ( \* ) ، عصر آنروز آقای طالقانی در میدان اقبال ( آزادی ) سنجید برای مردم سخنرانی میکند . ایشان پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد وضع کردها در رژیم سابق و ستمهایی که بر آنان وارد شده و راجع به سفر خودشان به سنجید و اینکه اولین سفر ایشان بخارج از تهران

---

( \* ) - نوار این مذاکرات موجود است ، در ضمن ضمیمه شماره ۴ که اهم مطالب رد و بدل شده در مذاکره را در خود دارد ، به همراه گزارش است .

است، مردم قول رسیدگی بجریان و تشخیص عوامسل بوجود آورنده آنها میدهند. آقای طالقانی قصد داشتند جریان را اشتباه و امری سهوی قلمداد نمایند که مردم همگی آن را عمدی اعلام میکنند. ایشان مسأله خود-مختاری را تأیید کرده و میگویند در حکومت اسلامی تمامی خواستها برآورده میشود. در اینجا آقای طالقانی علت دخالت نیروها و عناصر دولت مرکزی را در امور کردستان، عدم وجود مرکزیت و يك نمایندۀ واحد اعلام میکنند. در این سخنرانی ایشان سعی در پی-گناهی و مردمی بودن ارتش، شهربانی و... را داشتند، که مجدداً با اعتراض وسیع جمعیت روبرو میگردند و مردم شعار "تشکیل ارتش خلقی" را میدهند. آنگاه یکی از افراد شرکت کننده با يك بلندگوی دستی شروع به صحبت کرده و توضیح میدهد که: "ارتشی که مردم بی سلاح را با توپ و خمپاره و گلوله مورد حمله قرار میدهد، ماهیتاً ضد مردمی است" که با تأیید جمعیت روبرو میگردد. سپس يك دانشجوی کرد ضمن صحبت، چنین میگوید: "آقای طالقانی، ملت کرد تجزیه طلب نیست، اما این امر باعث نمیشود که حق مسلم این ملت داده نشود". آقای طالقانی تأیید میکنند. این دانشجو سپس از ماهیت ضد مردمی ارتش و کشته شدن مردم بدست این ارتش سخن میگوید و از آقای

۱۷ —



طالقانی بعلمت توجیه دخالت ناهجای دولت در امور  
 داخلی کردستان انتقاد کرده ، اضافه میکند ، " شما  
 اختیار مردم را به خودشان بسپارید تا نتیجه معلوم  
 گردد " و آنگاه از حکومت مردم بر مردم و تشکیل شوراهای  
 — ی خلقی سخن به میان آورده و به انتقاد از انتصاب  
 و تبلیغ ضرورت انتخابی بودن مدیران و مسئولین  
 پرداخت . آقای طالقانی دیگر سخنی نگفتند . ( محور  
 — های این سخنرانی موجود و ضمیمه گزارش است ه )  
 باین ترتیب اولین برخورد آقای طالقانی با مردم  
 حقانیت خواستها و دروغ بودن تهمت ها و افتراهای  
 که از جانب دولت بمردم نسبت داده شده بود ، ثابت  
 کرد . همانطور که خود آقای طالقانی نیز اذعان دا—  
 شت ، سفر به کردستان بسیار پراهمیت بود ، زیرا  
 دولت از فرستادن هیئتهای قبلی ( فروهر و همراهان  
 به مهاباد و اردلان بسنندج ) نتیجه ای نگرفته و در  
 حقیقت به خواست خود یعنی ساکت نگاه داشتن مردم  
 در مورد مسأله خود مختاری نرسیده بود . از طرف دیگر  
 مردم در این شرایط بحرانی حاضر به پذیرفتن نمایند—  
 گانی از این قبیل و با سوابق آنچنانی نبودند . اینجا  
 است که آیت الله طالقانی بعلمت شخصیت برجسته شان  
 کاندید شده و بسنندج میآیند .  
 مفتی زاده طی این جریان نقش محوری و رهبریش

را بر مردم از دست داد و کنترل شهر بدست شورای موقت افتاده بود. در این شرایط لازم میبود که یکی از افراد محلی که دارای اسم و رسم و نفوذی در میان مردم باشد، بعنوان بیانگر خواستها و منافع دولتمند علم کند و در مقابل شورا و نیروهای چپ که بیانکننده خواست مردم هستند قرار گیرد. البته چه بهتر که این شخص حس ریاست طلبی و رهبری طلبی نیز داشته باشد. در اینجاست که مفتی زاده بعنوان وزنه و نیروئی در مقابل هئیت مذاکره کننده (نمایندگان خلق کرد) و شورای موقت قرار میگیرد. مفتی زاده اعلام سخنرانی میکند، محتوای این سخنرانی متهم کردن صدیق کمانگر (سخنگوی شورای موقت انقلاب) بعنوان مقصر اصلی ماجرای سندج بود، در صورتیکه خود مفتی زاده قبلا در اعلامیه مشترك روز ۲۹ اسفند مقصر اصلی را صفدری معرفی کرده بود.

در این سخنرانی مفتی زاده کلاسه هدف رادبنا — ل میگرد: ۱- مقصر جلوه دادن کمانگر و بدین وسیله سرپوش گذاشتن بر روی خطاها و سستی هائی که از جانب او سر زده است. ۲- خام کردن و راضی کردن مردم در مورد ساکت شدن و پافشاری نکردن برای خود مختاری و اطمینان دادن ب مردم در باره

اینکه در حکومت اسلامی همه خواسته‌ها برآورده خواهد شد. ۳- حمله کردن به کمونیستها و بدنام کردن آنها، طبق معمول و کسب اعتبار برای خود از این طریق ولی از آنجا که مفتی زاده با توجه باعمال و مواضعش قبلاً افشا شده و نفوذ خود را از دست داده بود، نتوانست نقش خود را بطور مؤثر بازی کند (نتایجی از سخنرانی مفتی زاده ضمیمه گزارش است ۶) .

سرانجام روز ۴ فروردین بدعوت بازاریان شهر و بعنوان بدرقه آقای طالقانی مردم در میدان آزادی گرد می‌آیند. آقای طالقانی ضمن سخنرانی می‌گویند که علت آمدن هیئت به سنج جلوگیری از سوءاستفاده عده‌ای خاص بوده است. اما قول سخنرانی قبلیشان یعنی رسیدگی به حریانات اخیر و محاکمه مسببین واقعه مورد توجهشان قرار نمی‌گیرد و آن را یادآوری نمی‌کنند. آقای طالقانی اشاره‌ای به شورای موقت ه نقره که بطور موقت اداره شهر را بعهده خواهند گرفت و مقدمات انتخاب شورای دائمی را فراهم خواهند آورد، مینماید. این شورای ه نقره شامل دوتن از نمایندگان مفتی زاده و دوتن از نمایندگان نیروهای چپ و یک نفر نماینده آقای طالقانی که از اهالی محل هست، میباشد. آیت الله در این سخنرانی از مفتی زاده بعنوان رهبر کردها



نتایج حاصله از واقعه خونین سنندج را بطور خلاصه  
میتوان بشکل زیر بیان نمود :

۱ - مردم هر چه عمیقتر به ماهیت ضد خلقی "ارتش  
ملی" پی بردند .

۲ - مردم هر چه عمیقتر به ماهیت دولت فعلی و  
مواضع آن در قبال مسأله ملی کردستان آگاهی یافتند .

۳ - این واقعه نشان داد که دولت تا چه حد در  
مورد مسأله خود مختاری واقعی کردستان حساس است  
و بسادگی عقب نشینی نمی نماید .

۴ - این جریان باعث عقب نشینی نسبی دولت از  
مواضع سابقش گشت .

۵ - هئیت حاکمه سعی در لوٹ نمودن مسأله ملی  
کردستان و علم کردن مسأله شیعه و سنی داشت .

۶ - این واقعه ماهیت سرلشگر فرہنی ، این مزدور  
کود تاجی آمریکائی را هر چه بیشتر روشن نمود و در  
کنار فشار گذشته مردم و نیروهای مرفقی ، باعث تعویض  
او گشت .

۷ - در این رخداد ماهیت فرصت طلبان و ساز  
شکاران هر چه بیشتر نمایان گشت . از جمله از نفوذ  
و اعتبار مقتی زاده بشدت کاسته شد .

۸ - نفوذ سید عزالدین حسینی بملت اتخان

مواضع مردمی ، پیش از پیش افزایش یافت .

- ۹ - " جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب " بعملت  
شرکت فعال در بدست گرفتن امور شهر و . . . اعتبار  
بیشتری کسب نمود .
- ۱۰ - تجربیات نظامی مردم و روحیه همکاری و  
همبستگی در منطقه و بخصوص میان شهر و ده بشدت  
افزایش یافت .

# ضمائم

”تلگراف به تهران“

مجاهد عالیقدر حضرت آیت الله طالقانی دام تبرکاته  
 با کمال احترام سال نو و طلیعه جمهوری اسلامی  
 را به آنجناب تبریک میگویم . چنانکه استحضار دارند  
 در حالیکه دیگران شاد و خندان با استقبال نوروزی  
 میشتابند ، فرزندان شریف ملت کرد در زیر گسار  
 مسلسل و خمپاره جان میدهند و به خاک و خون کشانده  
 میشوند وزن و چه‌های معصومی دفاع اغذیده‌ها شک می‌ریزند.  
 خلق کرد از آن مجاهد بزرگ که واقع‌بینانه به حقوق  
 کرد می‌اندیشند و از آن دفاع می‌فرمایند سپاسگزار  
 استو امیدوار است که روح عظمت اسلام و آزاد یخواهی که شیوه  
 آنجناب بوده و می‌باشد دیگران را هم متأثر بنماید و  
 آنانرا از کوته بینی و جمود فکری و تعصب بیجا بیرون  
 آورده و مسلمانان سنی و خلق کرد را ضد انقلابی و  
 کافر شمارند و علیه آنان دستور جهاد صادر نکنند  
 که این رویه با موازین روح عالی اسلام و ادعای جمهو-  
 ری اسلامی فرسنگها فاصله دارد . در خاتمه سلامتی  
 آن حضرت را خواستار و انتظار داریم که برادری و  
 برابری تحت لوای قرآن کریم در سطح کشور تحقق یابد .  
 امام جمعه مهاباد - سید عزالدین حسینی





## ضمیمهء شماره ۲

مذاکرات هیئت اعزامی تهران با نمایندگان خلق کرد  
در

### سنندج

۱- حاج سید جوادى ( وزیر کشور ) در مورد  
بی گناهی و بی خبری دولت از ماجرا صحبت میکنند و  
این اثنا صدای فانتوم مانع شنیدن صدای سخنران  
میکرد و کمانگر بعنوان جمله معترضه میگوید: پرواز  
فانتومها توطئه رژیم ضد خلقی وابسته به امپریالیسم  
است و نه تنها پرواز فانتومها، بلکه حتی بمباران نیمی  
از کردستان هم خلق کرد را از مبارزه باز نخواهد داشت  
آیت الله حسینی نیز این امر را توهین به جامعه روحانیه  
نیت اهل تسنن و خلق کرد می نامند. و اضافه کرد:  
شاه هم همین کار را میکرد، رژیم شاه طاغوتی با رژیم  
آخوند طاغوتی هیچ فرقی ندارد.

ما هم صادق وزیری راجع به تهمت تجزیه طلبی و  
اینکه مردم را ضد انقلابی نامیده اند، صحبت کرد و گفت  
برخورد ما با دولت بازگان دوستانه خواهد بود و انتظار  
- در داریم دولت بازگان نیز به مسائل کردستان توجه  
کند. يك شاهد عینی در مورد کشتار و رساندن تیر-  
خوردنها به بیمارستان توضیح داد، سرهنگ صفیری

فرمانده لشکر، مختصری از سوابق و نحوه کارکرد خود را تشریح کرده، از کمیته‌های انقلاب در سندج انتظار میکند. ایشان آقای حسینی را نماینده گروه‌ها می‌داند. نقد و معتقدند که مسببین ماجرا بایستی محاکمه شوند. حاج سید جوادی از موضع فردی صحبت میکرد، و اشاره کرد که من از طرف دولت نیامده‌ام، (دولت در این زمینه نمیخواهد تعهدی بدهد)، اما می‌گوید که دولت از این توطئه مطلع نبوده است، (در صورتیکه پادگان ضمن نبرد دائمی با قوه‌نی در تماس بوده‌است)

### ضمیمه شماره ۳

سخنرانی آیت الله طالقانی در میدان اقبال (آزادی)

۱ - توضیح در مورد وضع کردها و ستمهایی که بر آنان روا شده .

۲ - در مورد اینکه اولین سفر آقای طالقانی به خارج از تهران است ( اهمیت سفر )

۳ - قول در مورد روشن کردن و تشخیص عوامل جریان

۴ - آقای طالقانی میگویند که علل جریانات اخیر را باید در خود افراد و اشخاص جستجو کرد و به

دولت یا رژیم نباید نسبت داده شود ، که با اعتراض مردم روبرو میشود ، آنگاه میگوید که این جریانات استبداد یا تصور ، سهوی یا عمدی ، که جمعی از نظام می مانند و مردم دسته جمعی می گویند ، عمدی .

۵ - تأیید این مطلب که کشته شدگان از مردم کوچه و بازار و از برادران و خواهران ما بوده اند .

۶ - تأیید مسأله خود مختاری و اینکه در حکومت اسلامی ، آزادی فرهنگ و زبان و سرنوشت تأمین خواهد شد .

۷ - آقای طالقانی عدم وجود مرکزیت را در کردستان ، بهانه ، دخالت دولت مرکزی در مسائل ایمن منطقه قرار میدهد و میگوید ، نماینده شما مشخص

نیست .

۸ - آقای طالقانی سعی میکند ، ارتش و شهرپانی را . . . مردمی جلوه دهد ، و از مردم تقاضای پشتیبانی از این نیروها را می کند و مثال می آورد که همه سرلشگر ها و یا تیمسارها بد نیستند . اما با اعتراض شدید مردم روبرو میشود و مردم شعار تشکیل ارتش خلقی را می دهند . آنگاه طالقانی از شکل ، ترکیب و ماهیت ارتش خلقی سؤال میکند که بعلمت سرو صدا چیست مفهومی حاصل نمی گردد ، ولی شخصی از میان جمعیت بابلند گوی دستی صحبت میکند و توضیح میدهد که ارتشی که مردم بی سلاح را با توپ و خمپاره و گلوله مورد حمله قرار می دهد ، ماهیتاً ضد مردمی است که با تأیید جمعیت روبرو میشود . سپس يك دانشجوی کرد صحبت می کند ، او میگوید : آقای طالقانی ، ملت کرد تجزیه طلب نیست ، اما این باعث نمی شود که حق مسلم این ملت داده نشود ( آقای طالقانی تأیید می کنند ) .

سپس از ماهیت ضد مردمی ارتش و کشته شدن مردم به دست این ارتش سخن میگوید ، از آن قسمت از سخنان طالقانی که مربوط به اختلافات داخلی بود انتقاد میکند و میگوید ، شما اختیار مردم را بخودشان و به انتخابشان بسپارید تا نتیجه معلوم گردد . از حکومت

— ۳۰ —

مردم هر مردم و تشکيل شوراهای خلقی و انتقاص از  
انتصاب و تبليغ انتخاب نیز سخن می راند . که تمام این  
موارد مورد تأييد جمعيت قرار می گیرند .

## ضمیمه شماره ۲

### سخنرانی مفتی زاده در مسجد جامع

۱ - مفتی زاده میگفت در نشستی که در تهران با رهبران داشته‌ام، گفته‌اند که ساواک در سابق بیشتر بین نیروی خود را در کردستان مستقر کرده بود. همان عوامل ساواک سابق در این مقطع بهترین استفاده را کرده و اگر خود خود مختاری به این شیوه که آنها می‌خواهند کردستان به دامن آمریکا خواهد افتاد. دیگر اینکه در کردستان کمونیست‌ها با تبلیغات عوامل غربیانه می‌خواهند مبارزات و حق ملی کرد را به کجراه ببرند، یعنی عملاً کمونیست‌ها و ساواک‌های سابق را در یک جبهه بر علیه مبارزات مردم قرار میداد.

۲ - مفتی زاده میگفت به چه دلیل بدون شرکت نماینده<sup>۸</sup> سنندج نماینده<sup>۹</sup> خلق کرد در قطعنامه<sup>۸</sup> ماده‌ای آیت الله حسینی انتخاب شده است. در این مورد اضافه میکرد که سنندج پرجمعیت‌ترین شهرستان است. توضیح آنکه: حتی اکثریت مردم سنندج هم پشیمان و هوادار مفتی زاده نیستند، بمنوان مثال در این سخنرانی تنها سه تا چهار هزار نفر از تمام مردم سنندج شرکت داشته و مفتی زاده را تأیید میکرد.

ند . تمام نیروهای چپ و مترقی نمایندگی آیت‌الله  
حسینی را قبول دارند .

۳ - با وجود آنکه طی اعلامیه مورخه \_\_\_\_\_ کذا از  
طرف : آیت‌الله حسینی ، احمد مفتی زاده ، صدیق  
کمانگر ، رشید مظفری انتشار یافته ، در بند \_\_\_\_\_ اعلامیه  
اشاره شده است ، که عامل اصلی کشتار سنندج آیت‌الله  
صغری نمایندۀ امام خمینی در سنندج معرفتی  
گردیده بود ، اما هدف اصلی این سخنرانی متهم  
کردن " صدیق کمانگر " سخنگوی شورای موقت انقلاب  
سنندج ، به عامل اصلی این کشتار بود و در اثبات  
این مدعا ، مفتی زاده صرفاً به فحاشی اکتفا نمود .

۴ - برای آرام کردن مردم ، مفتی زاده به نقل  
قولهایی از بنی صدر ، بهشتی و ... اشاره میکرد و  
در ضمن در مورد دادن حق خود مختاری میگفت ،  
در جریان مذاکرات و تماسهایی که بطور خصوصی با  
آیت‌الله خمینی داشتند ایشان قول داده‌اند ، که  
این مسئله را حل کنند و در ضمن مفتی زاده ادعا میکرد  
که نوار قبول آقای خمینی در مورد خود مختاری بتعداد  
۲۰ عدد موجود است .

۵ - مفتی زاده ادعا میکرد که یکعده منافق و نفاق  
افکن که از خارج بسنندج آمده‌اند ، باعث بی نظمی در



شهر شده‌اند . البته منظور او نیروهایی بود که به پشتمانی و بقصد کمک به مردم سنندج از سایر شهرهای کردستان و حتی ایران به سنندج آمده‌اند .

\* - بنظر ما دولت مرکزی از آنجا که در قدرت خود نمی‌بیند که بصورت قاطع در مقابل مسئله کردها باشد ، ناچار با توسل به عناصر و نیروهای متزلزل و سازشکاری چون مفتی زاده سعی در لوٹ کردن مسئله حق خود مختاری و کشتار چند روز اخیر سنندج مینماید .

\* - بنظر ما در مجموع این جریان برفع نیروهای مترقی بخصوص چپ تمام شد ، زیرا سیاست سازشکارانه و مرتجعانه عناصر راست مذهبی برای مردم معلوم شد و در این خصوص افشاگری زیاد شده است .

\* - بگفته یکی از افراد یکه در جلسه مذاکرات شرکت داشته ، دولت قادر به برآورده کردن خواسته‌های کردها نیست ، از طرفی بعلمت شرکت نیروهای چپ در مذاکرات امکان هر گونه سازش و مصالحه تقریبا منتفی است . به همین شخص ، امکان طولانی شدن این مسئله خیلی زیاد است ، بنابراین همکاری و پشتمانی نیروها و سازمانهای م - ل لازم و ضروری است .

## ضمیمه شماره ۵

« برنامه خدا حافظی آیت الله طالقانی از مرد مسندج

در

میدان آزادی شهر

۵۸ / ۱ / ۴

جمعیتی در حدود سه تا چهار هزار نفر در زیر باران گرد آمده بودند تا سخنرانی و پیام آقای طالقانی را بشنوند . پلاکاردهایی در دست مردم بود به این مضامین : « درود بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران » ، « علامه احمد مفتی زاده رهبر ماست » و یکی در پلاکارد با شعارهای مذهبی . برنامه ساعت ۵ و ۴ با تلاوت قرآن شروع گشت پس از آن ملا محمد ربیعی ( از کرمانشاه ) سخن گفت و مسئله وحدت مردم را شکافت . آنگاه نماینده زنان مسلمان به دادن چند شمار و تشکر از آقای طالقانی پرداخت .

آیت الله طالقانی در ابتدا با مساله وحدت و یکتاپرستی شروع به سخن گفتن کرد ، آنگاه اشاره ای به وقایع اخیر منطقه و بخصوص سنندج نمود و گفت برای آنکه عده ای از این جریان سوء استفاده نکنند ما ( طالقانی و همراهان ) به اینجا آمدم و خدا را شکر کرد که وضع آرام شده است ، ولی هیچ اشاره ای به

۳۵ —

عوامل مقصر جریانات اخیر و نقش صفداری ننمود وحتی  
 ارتش را ملی و خلقی نامد . آنگاه از کنترل شهر بوسیله  
 شورای موقت تا يك هفته سخن گفت که پس از آن  
 انتخابات آزاد برای تعیین شورای دائمی انجام خواهد  
 شد . ( البته شورای موقت شورای کنونی نبوده بلکه  
 شامل دو نماینده مفتی زاده ، دو نماینده از نیروهای  
 چپ و يك نفر نماینده آقای طالقانی میباشد ) و ابراز  
 امیدواری کرد که این انتخابات درسی برای شهرهای  
 دیگر باشد ، چون سنج اولین شهری خواهد بود که  
 اداره آن بدست شورای انتخابی مردم خواهد افتاد .  
 آقای طالقانی از صبر کردن و تحمل داشتن برای حل  
 مسائل و مشکلات نیز حرف زد و اشاره ای به رفرا ند و م  
 و اینکه اکثریت مردم به جمهوری اسلامی رأی خواهند  
 داد و خود ایشان نیز همانطور . ولی صحبتی از نیرو  
 و های دیگر و شکل برگزاری رفرا ندوم نشد . در پایان  
 آقای طالقانی به بررسی و مقایسه اسلام با مکاتب دیگر  
 پرداخت و اینکه در اسلام اقتصاد زیرمات نیست و انسان  
 بر اقتصاد حاکم است نه اقتصاد بر انسان . آقای  
 طالقانی پس از آن خدا حافظی کرد .  
 این برنامه خدا حافظی بدعوت به اریان سنج  
 ترتیب یافته بود و اکثرا هواداران مفتی زاده در آن

شرکت داشتند و حتی با تهدید از سخن گفتن نیروهای دیگر جلوگیری میشد .

در اثنای سخنرانیها جمعیت شعارهای " رهبر ما احمد مفتی زاده " ، " درود بر کاک احمد " و " استقلال آزادی ، جمهوری اسلامی " می دادند و آقای طالقانی هم بعنوان برادر و رهبر کردستان از مفتی زاده اسم می برد و حال آنکه اشاره ای هم به آیت الله حسینی نشد .

## ضمیمه شماره ۶

### بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب اسلامی ایران با هدف ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مرحله مهمی را که در هم شکستن رژیم مطلقه شاهنشاهی باشد، پشت سر گذاشته، ولی هنوز تحقق هدفهای عمده آن در گرو ادامه مبارزات تمام‌نیرو و های ملی و مترقی سرتاسر ایران است.

با توجه باین واقعیت است که ملت کرد از همان آغاز اصرار در استیفای کامل حقوق ملی خویش را بعنوان بخشی از این هدفهای عمده انقلاب ایران مطرح ساخته است. لیکن علیرغم تمام این اصرارها و پافشاری‌های خلق کرد و علیرغم ضرورت و فوریتی که همگان در جهت حل این مسئله احساس میکنند مرتباً حل آن برعهده نمویق می‌افتد.

لذا نمایندگانی از خلق کرد از شهرها و روستاهای کردستان در شهر سنج گرد آمده‌اند و بنمایندگان تام‌الاختیار رهبری انقلاب حضرت آیت الله العظمی خمینی به رهبری حضرت آیت الله طالقانی و نمایندگان دولت موقت انقلاب اسلامی ایران بریاست آقای احمد صدحاج سید جوادی وزیر کشور دیدار

و مذاکره کرده‌اند، لازم میدانند با دیگر پشته‌پاشی کامل خود را از تمام هشت ماده تقدیمی بدولت مرکزی که در شهر مهاباد بتوسط نمایندگان خلق کرد تنظیم گردیده و مورد حمایت و پشتیبانی میلمونی ملت کرد در تمام شهرها و روستاها قرار گرفت اعلام میدارند و پشتیبانی مجدد خود را از رهبری حضرت آیت‌الله خمینی و دولت آقای بازرگان ابراز نمایند، نیز لازم میبیند بار دیگر تأکید و تکرار کند که اصل انکار ناپذیر و غیرقابل تعدیل حق تعیین سرنوشت را بعنوان حق طبیعی خود و تمام ملل دیگر تلقی میکنند و در عین حال مخالفت با هر نوع طرز تفکر تجزیه طلبی را اعلام میدارند،

۱ - حق تعیین سرنوشت بمعنای استقرار حاکمیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خلق‌ها بر سرزمین تاریخی خودشان میباشد، در رابطه با این حقیقت که شناسائی این حق وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران را تضمین و تأمین خواهد کرد.

۲ - از نظر سیاسی باید حکومت خود مختار کردستان توسط خود مردم کرد برگزیده شود و قدرت سیاسی و اداری سرزمین کردستان را بدست گیرد و در اتحاد برادرانه با ملل دارای حقوق مساوی در حکومت مرکزی مشارکت نمایند.

۳ - قطع وابستگی های نظامی بکشورهای امربا -  
لیستی و همه قدرتهای توسعه طلب خارجی و ایجاد  
يك ارتش خلقی در سراسر ایران جهت محافظت از  
مرزهای کشور و دست آورد های انقلاب که بنویسط حکو-  
مت مرکزی اداره خواهد شد .

۴ - ایجاد يك نیروی انتظامی مردمی که عامل تأمین  
امنیت و نظم داخلی بوده و تحت نظر حکومت خود -  
مختار کردستان به حای سازمانهای شهرهای و زاندا -  
مری سابق انجام وظیفه نمایند .

۵ - سیاست خارجی بوسیله حکومت مرکزی اداره  
خواهد شد که خطوط اصلی آن در حفظ استقلال و  
تمامیت ارضی ایران ، مبارزه علیه قدرتهای امربالستی  
و هرگونه وابستگی بد قدرتهای جهانی و منطقه ای توسعه  
- طلب ، پشتیبانی از نهضت های آزاد یخش خلقهای  
تحت ستم و همکاری درستانه با تمام کشورهایی که حق  
حاکمیت و استقلال ایران را برسمیت می شناسند خلاصه  
میشود .

۶ - محتوام اشکال و مظاهر ستم فرهنگی کسه  
متضمن آزادی و احترام به مذهب ، زبان ، آداب رسوم  
و عقاید کلیه ملت های ایران است . برسمیت شناختن  
زبان کردی بعنوان زبان رسمی در تمام مؤسسات

اجتماعی و اداری و آموزشی سرزمین کردستان با توجه و تأکید بر این نکته که زبان فارسی کماکان زبان رسمی سرتا سراسیران خواهد بود .

۷ - پیشرفت دادن به کشاورزی و صنعت در کردستان و تأمین چنان اولویتهی که متضمن جبران عقب افتادگی ناشی از ستم ملی باشد و قطع کامل نفوذ اقتصادی امپریالیستی و استعماری در سطح کشور و پایگاه آن در کردستان .

۸ - از حکومت موقت انقلاب اسلامی انتظار دارد که در رابطه با حل مسائل مربوط به کرد و کردستان از تعاس و مذاکره و سازش با عناصر مرتجع و فرصت طلب خودداری کرده و متوجه باشد که حل مسائل اساسی مردم تنها در چهارچوب توافق و تفاهم برادرانه با نمایندگان مردم مقدور است .

رئیس هیأت نمایندگان - سید عزالدین حسینی



"گفتار یکی از زندانیان آزاد شده"

روز دوشنبه از بوکان به سنندج آمدم برای دیدن یکی از رفقا که خودم هم از بوکان با يك رفیق دیگر بودم، عصر که از هم جدا شدیم و بعد شنیدم که برنامه از چه قرار است به پادگان رفتم و دوست دیگرم هم از طرف دیگر به جبهه رفته بود. البته من اسلحه نداشتم و مجبور بودم که به پادگان حمله ببرم و اسلحه بگیرم. بیاورم، در نتیجه به اطاق مهمات رفتم. البته باید بگویم که يك کولت همراه داشتم و به محض اینکه متوجه شدم که اسیر هستیم، کولتم را بدو راند اتم از ترس اینکه ممکن است بخاطر داشتن کولت مرا اعدام کنند. بعد ماها را که اسیر کردند به زندان بردند، تا ساعت ۴۸ بماند غذا ندادند در زندان به چند دسته تقسیم شده بودیم، وضع زندان خیلی نامرتب و نامنظم هیچ نوع نظمی در کارشان نیست. من که سه سال در زندان شاه بسر می بردم همه همتم مردم توانستم از زندان آزاد شوم.

رفتار وحشیانه ارتشپان با اصطلاح ملی و مسلمان و انقلابی را توانستیم از نزدیک مشاهده کنیم

حد اقل زندان شاه نظامی داشت و ما می‌انستیم که چه  
 بفرمان می‌آید، اما در این زندان هیچ‌کس از زندانیان  
 نمی‌دانستند واقعا چه بفرمان می‌آید. روز سه-  
 شنبه ۱۰۰۰ نفر گارد شاهنشاهی قدیم و گارد  
 جدید برای سرکوب ما به سنندج آمده بودند و بما  
 می‌گفتند که کار ما کشتار شماست، برای ما کشتن يك  
 عمل خیلی عادی است، پس چنین ارتشی چگونه میتواند  
 ملی و انقلابی باشد.

وضع زندان بدین ترتیب بود که يك اتاق كوچك و  
 يك راهرو که ما يك گروه ۶۰ نفری را در این زندان  
 یعنی در این سلول انداخته بودند و با ما مثل حیو-  
 انات رفتار میکردند. در این اتاق يك تختخواب  
 در طبقه وجود داشت و جای خواب در این اتاق نبود  
 در هر طبقه این تخت ۱۰ نفر می‌خوابیدند و چون در  
 این سلول جای خواب نبود، در نتیجه ما خواب را  
 بین خود مان تقسیم کرده بودیم، یعنی هر دو ساعت  
 یا سه ساعت يك عده از این ۶۰ نفر می‌خوابیدند.  
 برپروزی یکی از سرایان با اصطلاح انقلابی تیری در  
 کرده بود برای اینکه بتوانند به زندانیان تهمت  
 بزنند و به زندان آمدند گفتند چه کسی تیر در کرده  
 است، در صورتیکه قبل از زندانی کردن ما را تفتیش

۴۳—

بدنی کرده بودند و باز هم اصرار داشتند که کار ما بوده است و میگفتند یا باید بگوئید چه کسی تیر در کرده است یا اینکه شماها را میکشیم و چون واقعیت نداشت و همه ساکت بودند برای جواب دادن به این سؤال ما را لخت کرده ، یعنی فقط زیر پوش و شورت داشتیم و ما را به حیاط بردند ، در حدود یکساعت ما را آنجا نکهداشتند ، ما فکر کردیم میخواهند تیربارانمان کنند ، ولی بعد دیدیم که نه دوباره ما را به اطاق آوردند و همچنین پریروز در رادیو شنیده شد که زندانیان آزاد شده اند و چون دروغ محض بود ، ما ۲۴ ساعت اعتصاب غذا کردیم . سرپازان دیروز هنگامیکه شنیدند ما را میخواهند آزاد کنند بطرف ما آمده و از ما میخواستند که وقتی که آزاد شدیم بگوئیم که آنها انقلابی هستند و برادران ما هستند ، سعی میکردند رفتار مهربانی با ما داشته باشند . همچنین بنی صدر پریروز به زندان آمد و از ما میخواست که وقتی که آزاد شدیم به مردم بگوئیم که ارتشیان با ما مهربان بوده اند و رفتار انسانی داشته اند .

س- شما دیشب چه ساعتی آزاد شدید ؟

ج- من ساعت ۲ ، ولی از ساعت ۲ تا ۵ آزاد کردن ادامه داشت

س- شما زندانیان در حدود چند نفر بودید ؟

ج - در حدود ۱۳۸ نفر .

س- آیا در پادگان سربازان کرد هم بودند ؟

ج - بله

س- رفتار سربازان کرد با شما چگونه بود ؟

ج - البته باید بگویم که در نوع سرباز کرد وجود داشت یکمده از آنها حتی می ترسیدند بگویند کس در هستند ، وعده ای دیگر همان رفتار را داشتند که دیگر

سربازان با ما داشتند . البته ناگفته نماند که بعضی از کردها و بعضی دیگر سربازان ، ولی به تعداد خیلی کمی ، با ما خوب بودند و بطور پنهانی اخبار را دیو را به ما میدادند و با ما خوش رفتاری میکردند ، چون ما حق داشتن را دیو را در آنجا نداشتیم ، البته تعداد این سربازان خوب کم بود ، اکثرا وحشی و ضد - انقلابی و ضد مردمی بودند .

س- آیا کسانی برای پیشواز شما آمده بودند ؟

ج - کسان زیادی بودند ، ولی متأسفانه چون نمی دانستند که ما از کجا آزاد میشویم ، در نتیجه وقتی که من آزاد شدم ، کسی را در آنجا ندیدم .

س- آیا در بین شما دختران هم بودند ؟

ج - نه

س- آیا شما را شکنجه میکردند ؟

ج- خیر ، فقط هنگام بردن به زندان در موقع دستگیری بطور وحشیانه‌ای ما را کتک کاری میکردند ، با قنداق به سر و گردن ما میکوبیدند . البته را جمع بسته شکنجه هم باید بگویم ، شاید آنها هنوز این دوره را در سازمان سپاندیده‌اند .

س- همه زندانیان در یکجا بودند ؟

ج- در یکجا ، بله ، یعنی در یک زندان بودیم ، ولی همه در یک سلول نبودیم به گروههای ۵۰ یا ۶۰ نفری ما را تقسیم کرده بودند .

س- آیا از شما بازرسی میکردند ؟

ج- بازرسی به آن صورت رسمی اش ، نه ، واصلآ زندانی نمی دانست با چه کسی طرف است ، دائم از طرف سربازان ملی آقای خمینی در ناراحتی بودیم ، همیشه مزاحم ما بودند .

س- آیا کسی از سربازان کشته شد ؟

ج- من خودم فقط ناظر تیر خوردن سربازان بودم ولی کشته نمیدانم ، وبگفته خود ارتش ۲۰ تا ۳۰ نفر کشته داده‌اند .

س- در بین زندانیان اشخاص ارتشی هم بودند یا نه ؟

ج - بله ، چند تا درجه دار ارتشی هم بودند .

در پایان این رفیق اضافه کرد که سربازان گارد  
شاهنشاهی قدیم و گارد جدید ، بمباران

میگفتند که ما شمارا به خاک و خون میکشیم . اصلا کرا-  
دستان یعنی تمام منطقه کرد نشین را بمباران میکنیم

مگر حکومت عراق در عرض ۱۵ سال کشتار نمیکرد ، یعنی

خلق کرد را ، در نتیجه ما هم میتوانیم همین کار را بکنیم ،

و سازمان دفاع از حقوق هم نمیتواند چیزی بگوید ،

همچنانکه به کشور عراق چیزی نگفت .

تکثیر از:

فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانسه  
اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی



اتحادیه دانشجویان ایرانی در استکهلم